



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Of Love and Hate

Acharei Mot, Kedoshim

اخراهی موت و کدوشیم: پیرامون عشق و نفرت

در مرکز کتاب های موسی، ویقرا (لاویان) قرار دارد. در مرکز ویقرا "قانون تقدس" (باب ۱۹) هست با این فراخوان مهم: "باید مقدس باشی، زیرا من، خداوند، خدای تو، مقدس هستم." و در مرکز باب ۱۹ پاراگرافی هست که گزاره‌ی آن اوج تورات به شمار می رود:

از برادرت در قلبت نفرت نداشته باش. باید حتماً هموعت به راه راست هدایت کنی و به خاطر او مرتکب گناه نشوی. از فرزندان قوم خود انتقام نگیر و کینه‌ی آنها را به دل نگیر. هموعت را مانند خودت دوست بدار. من هستم خدای تو. ویقرا ۱۷-۱۸: ۱۹

در این نوشته می خواهیم دومین گزاره را بررسی کنیم: باید حتماً هموعت را به راه راست هدایت کنی و به خاطر او مرتکب گناه نشوی.

رامبام و رمبان [توضیح مترجم فارسی: رمبان همان نحمانید که پس از رامبام می زیست] در این عبارت با هم بر سر دیدن دو مفهوم به کلی متفاوت در دو سطح با هم توافق داشتند. رامبام این گونه می دید:

وقتی یک نفر علیه دیگری گناه می کند، فرد دوم نباید از او نفرت به دل بگیرد و خاموش بماند. چنانکه در مورد فرد شرور آمده: "و ایشالوم با آنکه از امنون نفرت داشت، اما با امنون نه خوب و نه بد، سخنی نگفت." اما به او دستور داده شد تا با امنون بگوید: چرا با من چنین و چنان کردی؟ چنانکه آمده: حتماً باید همنوع را به راه راست هدایت کنی. "اگر او توبه و طلب بخشش کرد، باید او را ببخشد و سنگدل نباشد، چنانکه آمده: "و ابراهیم به درگاه خدا دعا کرد..."

اگر کسی ببیند که همنوعش مرتکب گناه می شود و به راه ناراست می رود، دستور دارد که او را به راه نیک بازگرداند و به او بفهماند که با اعمال شرورانه علیه خودش گناه می کند، چنانکه آمده: "حتماً باید همنوع را به راه راست هدایت کنی..."

رامبان نیز می گوید:

حتماً باید با همنوع رودررو شوی. این دستوری جداگانه است، یعنی ما باید به او راه درست را بیاموزیم و از رفتار او اطمینان یابیم. "و به خاطر او گناه مرتکب نشوی"، زیرا به سبب سرپیچی های او اگر او را به راه راست هدایت نکنی، مرتکب گناه شده ای.

اما به نظر من تفسیر درست این است که عبارت "باید حتماً با او رودررو کنی" را باید همان گونه فهمید که این عبارت را می فهمیم: "و ابراهیم با او یملخ رودررو کرد". این آیه می گوید: "از برادرت در قلبت نفرت نگیر. وقتی خلاف خواست تو علیه تو کلاری می کند، بلکه باید با او رودررو کنی و بگویی: "چرا با من چنین کردی؟" آنگاه با انباشتن کینه از او در قلبت و به صورت پنهانی گناه مرتکب نشده ای، زیرا اگر با او رودررو کنی، او خود را در برابر تو بیان کرده، از عمل خود اظهار پشیمانی و به گناهِش اعتراف می کند، آنگاه تو او را می ببخشی.

تفاوت میان این دو تفسیر در این است که یکی جنبه اجتماعی دارد و دیگری بین افراد مطرح است. در خوانش دوم هارامبام و خوانش اول رامبان، دستور در زمینه مسئولیت جمعی است. وقتی یک همکیش یهودی را می بینیم که

مرتکب گناهی می شود، باید بکوشیم که از آن کار دست بکشد. اجازه نداریم بگوییم: "این امری خصوصی میان خودش و خدا است." حکیمان تلمودی گفته اند: "کل افراد اسرائیل ضامن یکدیگر هستند." ما هر یک نه تنها مسئول اعمال خود، بلکه مسئول رفتار دیگران نیز هستیم. این فصل مهمی در قانون و تفکر یهود است.

اما هر دو هارامبام و رمبان آگاهند که این معنای کامل متن نیست. با توجه به پیش زمینه، آنچه پیش رو داریم، روایتی دقیق است از روانشناسی مناسبات بینافردی.

یهودیت گاهی از سوی مسیحیت متهم شده که بیشتر به عدالت می پردازد تا عشق ("شنیدی که گفته شد: همنوخت را دوست بدار و از دشمنت نفرت به دل نگیر." اما به تو می گویم: دشمنانت را دوست بدار و برای کسانی که تو را آزار می دهند، دوست بدار") [توضیح مترجم فارسی: نقل از انجیل]

این یکسره نادرست است. در آووت ربی ناتان، آمده: "چه کسی بزرگترین قهرمان است؟ کسی که یک دشمن را به دوست تبدیل می کند." آنچه تورات را یگانه می سازد، فهم روانشناسانه از نفرت است.

اگر فردی به ما آسیب رسانده، طبیعی است که ناراحت شویم. آنگاه چه باید بکنیم تا به این دستور عمل کرده باشیم که آمده: "از برادرت نفرت به دل نگیر"؟ پاسخ تورات این است: صحبت کن. گفتگو کن. به چالش بگیر. رودررو کن. شاید آن فرد دلیل خوبی برای کارهایش داشته باشد. همچنین ممکن است عمل او از سر بدجنسی بوده باشد، که در آن صورت، رودررو کردن تو به او فرصت می دهد که اگر بخواهد پوزش بخواهد، و ما باید این فرصت را به او بدهیم. در هر دو حالت، بیان کردن آن بهترین راه است برای بازسازی یک رابطه. یک بار دیگر ما در اینجا با یکی از درونمایه های یهودیت روبه رو می شویم: قدرت سخن برای خلق، حفظ و ترمیم روابط انسانی.

هارامبام یک متن کلیدی را شاهد می آورد. این داستان در کتاب دوم شموئل ۱۳ آمده که چگونه امنون، یکی از فرزندان داوود پادشاه به خواهر ناتنی اش تامار تجاوز می کند. وقتی ابشالوم، برادر تامار از این موضوع باخبر می شود، واکنش او در ظاهر خونسردانه و آرام است:

برادر تامار، ابشالوم، به او گفت: آیا امنون برادرت با تو بوده؟ اینک خواهرم ساکت باش؛ او برادرت است. این را به دل نگیر." و تامار در خانه ی برادرش همچون زنی طرد شده زیست. وقتی داوود پادشاه همه ی این ماجرا را شنید، خشمگین شد. ابشالوم هرگز کلمه ای به امنون نگفت، چه بد و چه خوب...

اما ظاهر افراد فرینده است. ایشالوم همه چیز هست جز بخشنده. او دو سال منتظر ماند و سپس امنون را به خوردن شام هنگام چرای گوسفندان دعوت کرد. او به مردان خود دستور داد: "گوش کنید! وقتی امنون با نوشیدن شراب سرخوش می شود و من به شما علامت می دهم، آنگاه امنون را به زمین بزنید و سپس او را بکشید. و به این ترتیب، این اتفاق افتاد.

سکوت ایشالوم، نه به معنای بخشیدن، بلکه به معنای نفرت بود - نفرتی که پیر دو لاکلائو در کتاب *Les Liaisons Dangereuses* [پیوندهای خطرناک] از آن سخن گفت: "انتقام، غذایی است که بهتر است سرد سرو شود."

نمونه‌ی آنرا در برشیت می یابیم:

اینک ایسرائل یوسف را بیشتر از پسران دیگرش دوست داشت، زیرا او فرزند پیری او بود؛ و به او ردایی رنگارنگ پوشاند. وقتی برادرانش دیدند که برادرانشان را بیشتر از آنها دوست دارد، نفرت او را به دل گرفتند و نتوانستند دیگر کلامی مهرآمیز با او بگویند. (*velo yachlu dabro leshalom* که در لفظ یعنی: "آنها دیگر به صلح نمی توانستند با او سخن بگویند").

در این باره ربی یوناتان آیشوتس (۱۶۹۰-۱۷۶۴) چنین تفسیر می کند:

اگر آنها می توانستند در جمع با هم بنشینند، با یکدیگر سخن می گفتند و رو در رو می کردند و سرانجام، با یکدیگر آشتی می کردند. تراژدی این درگیری در آن است که آدم ها دیگر با هم سخن نمی گویند و به یکدیگر گوش نمی دهند. "شکست در ارتباط گیری اغلب پیشدرآمد انتقام است.

بنابراین، منطق درونی دو آیه‌ی پاراشا چنین است: "همنوعت را مانند خودت دوست بدار. اما همه‌ی هموعان، دوست داشتنی نیستند. کسانی هستند که از سر دشمنی یا بدجنسی به تو آسیب می رسانند. پس من دستور نمی دهم که تو مانند فرشتگان زندگی کنی و عواطف طبیعی انسان ها را نداشته باشی. اما نفرت به دل گرفتن را برای تو ممنوع می سازم. از این روی، وقتی کسی به تو بدی می کند، باید با او رودرو کنی. باید به او از احساس آسیب دیدگی و ناراحتی خود بگویی. ممکن است یکسره قصد او را بد فهمیده باشی. یا شاید او به راستی خواسته به تو آسیب بزند، اما اینک، در برابر واقعیت آسیبی که به تو زده قرار گرفته و شاید صادقانه از

عمل خود علیه تو توبه کند. اما اگر نتوانی با او سخن بگویی، امکانی واقعی هست که کینه‌ی او را به دل بگیری و در طول زمان، از او انتقام بگیری، مانند ابشالوم.

آنچه در مورد تورات بسیار ستایش انگیز است، این است که هم بالاترین آرمان‌ها را بیان می‌کند و همزمان، با ما به عنوان موجوداتی انسانی سخن می‌گوید. اگر ما فرشته بودیم، آسان بود که یکدیگر را دوست بداریم. اما فرشته نیستیم. اخلاقی که از ما می‌خواهد دشمنمان را دوست بداریم، اما یاد نمی‌دهد چگونه چنین باشیم، قابل اجرا و زیست نیست. برعکس، تورات برنامه‌ای واقع بینانه دارد. ما با صادق بودن با خود و دیگران و گفتگو با یکدیگر درباره‌ی مسائل ممکن است به آشتی برسیم – البته نه همیشه، بلکه اغلب اوقات. فکرش را بکنید: اگر بشریت این دستور ساده را پیروی می‌کرد، از چه میزان فلاکت و خونریزی خودداری کرده بود.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved